

مأخذ: فصلنامه کتاب زنان شماره ۲۴  
نویسنده: محمدرضا ضمیری  
دختران و ازدواج تحمیلی

چکیده:

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران اجتماعی، عنصر رضایت و توافق طرفین در ازدواج، یکی از عوامل استحکام نهاد خانواده و پایداری نکاحی است؛ لیکن از گذشته تا امروز، ازدواج‌هایی اجباری و ناخواسته به وقوع پیوسته که در این نوع وصلت‌ها معمولاً عمده خسارات مادی و معنوی متوجه دختران بوده است. این در حالی است که در تمام ادیان الهی، حق آزادی فرد در همسرگزینی مشروع و حق انتخاب شدن در فرآیند ازدواج جزء حقوق مسلم دختران شمرده شده است. اما در طول اعصار و در ملل مختلف گاهی این حق نادیده گرفته شده است که تبعاتی فردی، خانوادگی و اجتماعی در پی داشته است. این نوشتار با توجه به اهمیت موضوع، برخی از زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر وقوع ازدواج‌های تحمیلی را بررسی کرده و راهکارهایی پیشگیرانه ارائه نموده است.

واژگان کلیدی:

ازدواج تحمیلی، دختران، ازدواج اجباری، ازدواج ناخواسته، ازدواج ربایشی، ازدواج مبادله‌ای، نارضایتی زناشویی، همسرگزینی، وصلت.

ازدواج اجباري به عنوان معضلي جهاني در حوزه خانواده تلقي مي‌شود که به امنيت جسمي، روحي، اجتماعي و فرهنگي زنان، آسيب‌هاي جدي وارد مي‌سازد.

سالانه ۴ ميليون زن در جهان خريد و فروش يا مجبور به ازدواج اجباري مي‌شوند. (روزنامه حيات نو، ۱۳۸۱/۸/۲۹) بخشي از اين ازدواج‌ها مربوط به دوران خردسالي دختران است، بيشتر ازدواج‌هاي پايين‌تر از ۱۲ سالگي، اجباري و ناخواسته مي‌باشد و معمولاً پس از چند سال به جدابي، همسرکشي يا ساير آسيب‌هاي فردي و خانوادگي منجر مي‌شود.

شيوه ازدواج ناخواسته در بسياري از کشورها به يك معضل اجتماعي تبديل شده است، به گونه‌اي که براي بررسي ابعاد مختلف آن، اولين گردهمايي بين‌المللي ازدواج‌هاي اجباري تشكيل شد و شرکت کنندگان در اين اجلاس از ۱۲ کشور جهان تأکيد کردند که ازدواج اجباري نقض آشکار حقوق بشر مي‌باشد. در اين اجلاس مقرر گرديد که علل و عوامل اين پديده بررسي شود و بانک اطلاعاتي جهت گردآوري آمار و اطلاعات دقيق اين فاجعه تأسيس گردد.

بسياري از ازدواج‌هاي ناخواسته در کشورهاي غربي ميان مهاجرين ساکن، رخ مي‌دهد به طوري که بسياري از قربانيان ازدواج‌هاي اجباري براي کمک به سازمان‌ها و ادارات دولتي مراجعه مي‌نمايند، طبق آمار ۸۵ درصد قربانيان، دختران جواني از کشورهاي آسياي جنوب شرقي هستند. بيشتر قربانيان بين ۱۸ تا ۲۴ سال سن داشته و تحت فشار خانواده مجبور به ازدواج شده‌اند.

(www.womenrc.com)

پديده ازدواج اجباري به هيچ وجه محدود به کشورهاي جهان سوم نيست، هرچند اغلب بيان مي‌شود که در جوامع سنتي حقوق زنان در موضوعاتي نظير انتخاب همسر، تصميم‌گيري در خانواده و آزادي

طلاق نادیده انگاشته می‌شود، (شیخی، ۱۳۸۰: ص ۵۴) اما در عصر حاضر، در جوامع صنعتی نیز ازدواج‌های تحمیلی رواج زیادی دارد. به طور نمونه در کشورهای صنعتی و پیشرفته‌ای همچون آلمان دامنه این نوع ازدواج‌ها وسیع است. خانم فولتز سخنگوی سازمان سرزمین زنان در آلمان بیان می‌کند: «در طول دو سال گذشته گزارشات زیادی درباره ازدواج اجباری بسیاری از دختران جوان ارائه شده است. مهاجران، بیش از همه در معرض ازدواج ناخواسته قرار دارند. در عین حال، حتی دخترانی که در آلمان به دنیا آمده‌اند، از سوی والدین یا برادران خود، در سنین بسیار پایین مجبور به ازدواج می‌شوند و ازدواج ناخواسته و اجباری شامل حال دختران آلبانیایی، مراکشی و کشورهای آفریقایی نیز می‌شود» (www.dwelle.de.persian). متأسفانه ازدواج تحمیلی در کشور ما نیز دامنه وسیعی یافته است و از برخی استان‌های کشور مانند کردستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان مواردی از ازدواج اجباری گزارش شده است، اما هنوز آمار دقیقی از تعداد و میزان این آسیب اجتماعی ثبت نشده است، سازمان نظام پزشکی درصد ارائه آماری در این خصوص می‌باشد.

#### کار پایه مفهومی

##### - تعریف اجبار و تحمیل

در فرهنگ علوم اجتماعی، در مورد تعریف واژه اجبار چنین بیان شده است: اجبار از ریشه لاتینی *constrigere* به معنای فشار دادن است و از نظر مفهومی، به معنای تحمل آزار جسمانی یا روانی است، خواه به جهت آنکه فرد علی‌رغم میل خود به انجام کاری مجبور شده است و خواه بدان جهت که از انجام آنچه می‌خواسته بازداشته شده است. فعل اجباری یعنی کاری که از روی قهر و ستم انجام گیرد

(معین، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۴۶) و منظور از تحمیل، واداشتن کسی به انجام کاری یا پذیرش چیزی برخلاف میل او است. (انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۱۶۴۳)

#### - تعریف ازدواج

مقصود از ازدواج، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است؛ در صورتی که آنها شرایط شرعی و قانونی لازم را داشته باشند.

#### - تعریف ازدواج تحمیلی

ازدواج اجباری، پیوند زناشویی رسمی است که در این پیوند، رضایت و اراده زوجین یا یکی از آن نادیده انگاشته می‌شود و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده می‌گردد.

#### انواع ازدواج‌های اجباری

در طول تاریخ و در اقصی نقاط جهان، اقوام و اشخاصی بوده‌اند که زنان را همچون کالا یا وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و رفع اختلاف قبایل پنداشته‌اند و بی‌آنکه به آرزوها، انتظارات و حقوق طبیعی آنان کمترین توجهی نمایند، آنها را در یک شرایط ناخواسته، وادار به ازدواج و زناشویی اجباری نموده‌اند. برخی از انواع ازدواج‌های اجباری در طول تاریخ به شرح ذیل است:

#### - ازدواج ربایشی

در ازدواج ربایشی<sup>۲</sup>، قبیله‌ای که همه افتخارش جنگاوری و نبرد تعریف شده بود، شیوه خاصی را در همسرگزینی اتخاذ می‌نمود. در

این شیوه مرد با اسب، دختری را که بر اسب نشسته دنبال می‌کرد و دختر تلاش می‌نمود تا از دست او فرار کند، چنانچه مرد می‌توانست او را به چنگ آورد، همسرش را ربوده بود. ویل دورانت این رسم را در اسپارت نیز مشاهده کرده است. در اسپارت پدر و مادر، مسئول تدارک ازدواج فرزندان خود بودند، داماد برای تصاحب عروس پول نمی‌پرداخت، وی می‌بایست عروس را به زور از خانه‌اش بیرون بکشد و عروس موظف است که در مقابل او ایستادگی نماید، از این رو در نزد اسپارتیان کلمه زناشوئی به معنی ربودن بود، در مواردی نیز جمعاً از مردان و زنان مجرد را که از لحاظ عدد مساوی بودند، در اتاقی تاریک گرد می‌آوردند تا در تاریکی، هر یک از مردان، شریک خود را از میان دختران برگزیند. (ویل دورانت، ۱۳۴۹: ص ۱۵۰)

در برخی ملل قدیم نظیر هندوها و چینی‌ها و بسیاری از قبایل وحشی، ازدواج خارجی سه نوع بود که یک قسم آن اسیر کردن و ربودن پنهانی زن، علیرغم مخالفت زن و بدون اطلاع خانواده وی بود. در واقع زن گرفتن یک مرد عبارت بود از اسیر کردن و تصرف حیوان بارکشی که برای جمع‌آوری هیزم، آوردن آب و سایر کارهای پرمشقت آن نواحی به کار آید. (مصلحتی، ۱۳۷۹: ص ۴۳)

#### - ازدواج یغمائی

زناشوئی یغمائی در عربستان دوران جاهلیت بسیار معمول بود. منظور از ازدواج یغمائی یا زناشوئی به وسیله تاراج آن است که مرد یا زن را به منظور زناشوئی برابند و بر یغما و تاراج ببرند. طرف یغماگر معمولاً مرد بود. این نوع زناشوئی بیشتر در زمان جنگ و نزاع و شبیخون اتفاق می‌افتاد که طرف پیروز همه چیز از جمله زنان را به یغما و اسارت می‌برد. برخی محققان معتقدند علت نفرت عرب جاهلیت از دختر و زنده به گور کردن وی، بیشتر در اثر رسم ازدواج

یغمائی بوده است. (مصلحتی، ۱۳۷۹: ص ۴۴)

#### - ازدواج وراثتی

در کشور گابن، سابقاً بعد از مرگ شوهر، زن یا زنان وی متعلق به وارث یا وارثان قانونی او بود. وارث می‌توانست یا خود از زن استفاده کند یا او را به اقوام دورتر متوفی انتقال دهد. در قبیله «یاریایی» آفریقا، پسر، زن بیوه پدر را به ارث می‌برد. اگر زن مادر او بود فقط برای استفاده بارکشی و کار کردن از او استفاده می‌برد و اگر مادرش نبود می‌توانست با او همبستر شود. (مصلحتی، ۱۳۷۹: ص ۶۳)

#### - ازدواج از طریق خرید همسر

نظام پدرسالاری و انتساب فرزند به پدر موجب شده بود تا مردان برای همسرگزینی به خرید همسر یا همسرانی اقدام نمایند، این وضع با کالا شدن یا کالا پنداری زنان همراه بوده و در طول تاریخ به صور گوناگونی صورت گرفته است. در بابل کسانی که دختران در سن ازدواج داشتند، آنان را به محلی می‌آوردند و دلال‌ها آنان را توصیف کرده و می‌فروختند، ولی هر یک از دختران را فقط به شرطی به فروش می‌رساندند که همسر نامیده شوند، به همین مناسبت نیز در عصر «هومر» در یونان باستان، از دختران «گاواور» نام برده می‌شود، به زعم «گونتر» خرید زن، اساسی‌ترین شکل ازدواج بین اقوام هند و اروپایی و مردم آلمانی نژاد بوده است، به طوری که ازدواج از طریق خرید در حقیقت همان ازدواج هندو و اروپایی است. «لوی» نیز در بین اقوام ساکن در آمریکای شمالی به همین رسم اشاره می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ص ۷۹)

در روم قدیم یکی از اقسام رایج ازدواج، خرید و فروش دختر بود. در اقوام بدوی دختر را به معنای واقعی و حقیقی می‌فروختند. قیمت

دختران جوان‌تر بیشتر بود. زیرا آنها ازدواج را امری تجاری می‌دانستند که رضایت فرد در آن بی‌اهمیت است. در این قسم ازدواج (خرید زن) برای اقوام بدوی دو خاصیت وجود داشت: اول استفاده مادی از زن به وسیله کار کردن و دوم، هر نوع معامله‌ای که مرد صلاح می‌دانست که با زن انجام دهد نظیر اجاره دادن، قرض دادن، معاوضه کردن و فروختن او. (مصلحتی، ۱۳۷۹: ص ۶۱)

#### - ازدواج سیاسی

یکی از انواع ازدواج تحمیلی که در ایران و سایر ملل ریشه کهنی دارد، ازدواج دختران برای رفع خصومت و فرونشاندن آتش جنگ و خونریزی بوده است، چنین ازدواجی اغلب به عنوان نفع و صلاح کشور شمرده می‌شد. در این نوع ازدواج، دختر پادشاه یا یکی از بزرگان و اشراف‌زادگان کشور بنا به مصالح سیاسی با شاهزاده یا پادشاه کشور دیگر ازدواج می‌نمود. به طور نمونه ازدواج خسرو انوشیروان با دختر خاقان ترک از این نوع ازدواج است. خاقان ترک اطلاع می‌یابد که انوشیروان به قصد جنگ به حرکت درآمده است، این خبر موجب نگرانی وی می‌گردد، ناگزیر برای چاره‌اندیشی با بزرگان و خردمندان به مشورت می‌نشیند، آنان به اتفاق، تنها راه جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح و دوستی را، وصلت با انوشیروان می‌دانند، انوشیروان فرستادگان خاقان را می‌پذیرد و از پیشنهاد ازدواج، استقبال می‌کند، این وصلت و خویشاوندی جنگ مهیبی را به صلح و آرامش مبدل می‌کند. (حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، ۱۳۶۹: ص ۱۸۲)

#### - ازدواج مبادله‌ای

ازدواج مبادله‌ای یکی از رسومی است که در مناطقی از ایران و

کشمیر رواج داشته و گاهی به نام «گاو به گاو» یا «زن به زن» نیز نامیده شده است. بر طبق این رسم دختران یا مادران بیوه وادار به ازدواج با پسر یا مرد خانواده‌ای می‌شوند که برادر یا پدر آنها خواهان ازدواج با دختر یا مادر آن خانواده باشد. ازدواج مبادله‌ای صور گوناگونی دارد:

(الف)- در این نوع ازدواج، خواهران به عنوان همسر مبادله می‌شوند.

به روایت «گوتتر» در استرالیا و گینه نو و بخشی از اقیانوسیه رسم رایج بر این است که دو مرد، خواهران خود را به عنوان ازدواج مبادله نمایند. در استرالیا هم مرد، زن نمی‌گرفت، مگر اینکه خواهران یا دختران خود را در ازای زنی که گرفته بود، به آن خانواده می‌داد.

(ب)- در میان شاهزادگان اروپا، مبادله یک برادر یا یک خواهر از یک خانواده با یک برادر و یک خواهر از خانواده دیگر وجود داشته است.

(ج)- هر گاه فردی از یک کلان به ناچار دختری از کلان دیگر را می‌گرفت و به رسم همخونی توتمی احترام می‌گذاشت، باید کلانی که دخترش ازدواج کرده است، دختری را در ازای آن مطالبه نماید. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ص ۸۷)

(د)- مطابق رسمی در میان برخی از اقوام و عشیره‌های عرب استان خوزستان، هنگامی که به یکی از بزرگان قوم و قبیله‌ای مصیبتی وارد می‌شود، دختری جوان را به عنوان هدیه برای عرض تسلیت و کاهش غصه، به او هدیه می‌دهند.

(ه)- «نپوه» عبارتست از اینکه دخترعمو مکلف است با پسر عمو ازدواج کند و چنانچه او رضایت ندهد، دختر برای همیشه حق ازدواج ندارد. در برخی موارد پسر عمو، یک یا دو زن دارد، ولی علاقمند است که دختر عموی خود را به عنوان همسر سوم یا چهارم خود انتخاب کند. (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۷۵۵) در این شرایط اگر



دختران، مخالف ازدواج با پسر عمو باشند و از دستور پسر عمو سرپیچی کنند با فرمان او در خانه پدری باقی مانده و تا پایان عمر حق ازدواج ندارند.

این رسوم در گذشته رواج بیشتری داشت، البته اخیراً مواردی از سنت‌های غلط گزارش شده است؛ به طوری که شماری از دختران تحصیلکرده و فرهیخته به جهت این نوع ازدواج اجباری توسط والدین یا برادر خود در منزل حبس شده‌اند. (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۲/۸/۴ - مصاحبه مشاور استانداری خوزستان)

همه مراجع عظام تقلید این نوع ازدواج را باطل دانسته‌اند، زیرا رضایت زن در عقد ازدواج نادیده انگاشته شده است. ۴ فتوای رایج فقهای معاصر این است که رضایت دختر و اذن پدر، هر دو در جواز عقد نکاح، لازم است و قانون مدنی ۵ نیز بر همین فتوا استوار شده است.

#### شیوه‌های ازدواج‌های تحمیلی

ازدواج‌هایی که به طور ناخواسته بر فرد تحمیل می‌شود، به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول: ازدواج تحمیلی به شیوه مستقیم که در این فرآیند یکی از اعضای خانواده - به طور معمول برادر یا پدر- دختر را وادار به پذیرش ازدواج با مردی می‌کنند که دختر به زندگی مشترک با او راضی نیست، غالباً انگیزه‌های اقتصادی یا سیاسی در این نوع ازدواج‌ها موثر بوده است. دوم: ازدواج اجباری که به شیوه غیرمستقیم بر فرد تحمیل می‌شود. این‌گونه ازدواج‌ها زیر فشار ساخت اجتماعی بر دختران جوان تحمیل می‌شود. در عصر حاضر، ازدواج‌های تحمیلی به شیوه غیرمستقیم شیوع زیادی یافته است و شاید به همین جهت است که دکتر مصطفی اقلیما رئیس انجمن مددکاری ایران اظهار داشته است که ۹۵ درصد ازدواج‌ها در فرهنگ ما اجباری است.

### علل و عوامل ازدواج تحمیلی (شیوه مستقیم)

شناخت زمینه‌ها و عوامل یک پدیده، پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و کنترل آن را تسهیل می‌کند. امروزه دیگر تبیین تک خطی از پدیده‌ها که همه حوادث اجتماعی را تنها به مدد یک عامل تفسیر و تبیین می‌نمود، چندان جایگاهی در علوم ندارد و معمولاً ترکیبی از چند عامل در تبیین یک پدیده مطرح می‌شود. در پیدایی ازدواج اجباری به شیوه مستقیم نیز بسیاری از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر دارند که در این قسمت هر یک از عوامل به اجمال بررسی می‌شود:

#### عوامل فرهنگی

فرهنگ، در شکل‌دهی رفتارها و هنجارهای اعضای جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا فرهنگ، کنش‌ها و نقش‌های نهاد اجتماعی را با توجه به موقعیت‌های اجتماعی، زیستی و اقلیمی، تعریف و تعیین می‌کند.

شناخت و تصویر از یک پدیده و نوع کارکردهای آن در سیستم اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی در بروز رفتار آدمی نسبت به آن پدیده است.

امروزه با وجود فرصت‌هایی که در اغلب جوامع برای زنان ایجاد شده است و آنان از شرایط و پایگاه خود در نظام اجتماعی آگاهی یافته‌اند، علاقمندند تا در سرنوشت خود دخالت نموده و در این خصوص استقلال نظر داشته باشند، لیکن عده‌ای آنها را از این حق خدادادی و طبیعی محروم می‌سازند.

بی‌تردید نگاه نادرست به زنان در جامعه، در شکل‌گیری ازدواج‌های اجباری مؤثر است. ([www.hamshahri.net](http://www.hamshahri.net)) تفکر کالاپنداری زن و

استفاده ابراری از او موجب می‌شود تا اراده، تصمیم و تمایل زن در فرآیند همسرگزینی نادیده انگاشته شود و مقاومت دختران برای ایفای نقش در سرنوشت خود، نوعی گردن کشی و بی‌حرمتی نسبت به والدین تلقی گردد.

#### - نگرش‌ها و باورها

برخی از خانواده‌هایی که دختر خود را بدون جلب رضایت به ازدواج مردی درمی‌آورند، براین پندار هستند که زن، جنس درجه دومی است که می‌بایست پیوسته در همه چیز حتی تمایلات قلبی و روحی، تابع مرد باشد و استقلال او در انتخاب‌ها و گزینش‌هایش، به ضرر او و خانواده‌اش خواهد بود. این زعم ناآگاهانه، آنگاه اثربخش خواهد شد که مردی ثروتمند و در سنین بالا، به خواستگاری دختر جوانی می‌رود که او هیچ علاقه ویژه‌ای به آن مرد ندارد و آینده روشنی را در زندگی مشترک با وی احساس نمی‌کند. در این شرایط، چنانچه دختر به درخواست ازدواج او پاسخ منفی بدهد، دیگران بر اساس تصویری نادرست، اظهار می‌دارند که لزومی ندارد در آغاز ازدواج، دختر به طرف مقابل علاقمند باشد و در جریان زندگی به همدیگر علاقمند خواهند شد!!

پندار جنس دومی زن، گاه به گونه‌ای دیگر به حذف تمایلات و آرزوهای دختران دمیخت می‌انجامد. به طور نمونه هنگامی که دختر خواستگاران متعددی دارد و به هیچ‌یک پاسخ مثبت نمی‌دهد؛ برخی خانواده‌ها اصرار می‌کنند که باید با فلان فرد ازدواج کند، زیرا اگر دختر آزاد گذاشته شود، از هر فردی ایراد می‌گیرد و از زیر بار ازدواج شانه خالی می‌کند... .

در برخی موارد نیز این تفکر که «بخت خوب، همان بخت اول می‌باشد»، موجب شده است بسیاری از دختران در سنین پایین و

اغلب ناخواسته ازدواج نمایند.

اما باید توجه داشت که هیچ يك از بهانه‌هاي گذشته، نمی‌تواند مستمسكي براي تحمیل اراده و تصمیم دیگران در ازدواج دختر گردد، در اینجا منطقی‌ترین شیوه برای متقاعد ساختن دختران به ازدواج، ارائه مشاوره‌هاي علمی در خصوص شرائط و ملاک‌هاي همسرگزینی با الهام از الگوهاي دینی است و به جاي تحمیل اراده به آنان می‌بایست با واقع‌بینی تمام، شرایط اجتماعی و فرهنگی را تشریح کرد و دلسوزی پدران و مادران را به آنان گوشزد نمود و از سوي دیگر خانواده‌ها را با روحیات و اقتضائات جوانی و استقلال خواهی دختران در گزینش همسر مناسب آشنا ساخت.

#### - آداب و رسوم

آداب و رسوم یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی است که رفتار و عمل انسان‌ها را در يك جامعه شکل می‌دهد و معمولاً با نوعی تقدس و احترام ویژه همراه است. در تعریف آداب و رسوم ذکر شده است که آداب و رسوم هنجارهایی برای هشدار به مردمان است تا فعالیت‌هاي روزمره خود را بر روال عادی و مرسوم انجام دهند، زیرا رویگردانی از آنها، موجب مخالفت و رد دائم دیگران می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۱: ص ۷۲) البته تمام آداب و رسوم يك جامعه را نمی‌توان به‌طور کامل پذیرفت، بلکه می‌بایست آنها را با معیار عقل، دین و علم محک زد و کارکرد و نقش‌آفرینی آنها را در سعادت و رفاه اجتماعی انسان مورد ارزیابی قرار داد، چنانچه رسوم اجتماعی با سه عامل گذشته مخالفتی نداشته باشند، مثبت تلقی می‌شوند و در غیر این صورت، بی‌ارزش بوده و می‌بایست آنها را علیرغم تثبیت و استحکام در جامعه، حذف نمود.

آداب و رسوم طائفه‌اي در پاره‌اي از مناطق کشور، موجب بروز

ازدواج تحمیلی شده است. این آداب و رسوم به قدری در روابط اجتماعی قوی و قدرتمند عمل می‌کند که گویی مغری از آنها نیست و هرکه با آن ستیز کند از تمام امتیازات اجتماعی محروم می‌شود. مطابق رسم هدیه و «نپوه» که از سنت‌های کهن در برخی اقوام و عشیره‌های استان خوزستان است، پس از مرگ بزرگ خانواده و طائفه، مراسمی در حضور شیخ قبیله انجام می‌شود و یکی از افراد بزرگ خانواده نسبی متوفی، دختر خود را جهت تحکیم پیوند و تسلی خانواده متوفی به یکی از فرزندان متوفی هدیه می‌دهد و در مورد نپوه دختر عموها بدون اجازه پسرعموها حق ازدواج ندارند. در برخی موارد پسر عمو با دختر عمو همکفو نبوده و یا پسرعمو علی‌رغم داشتن دو یا سه زن، قصد ازدواج با دختر عمو را دارد...

هرچند این رسوم مقداری کمرنگ شده است، اما به هر حال در روابط اجتماعی و خانوادگی آن طوائف به صورت يك واقعیت اجتماعی حضور دارد.

#### عوامل اقتصادی

بسیاری از مردم چنین می‌پندارند که رمز رفاه و سعادت آنان در دستیابی به ثروت و پول بیشتر است و چنانچه معیشت آنان تأمین گردد، دیگر در زندگی هیچ مشکلی نخواهند داشت، زیرا پول، حلال همه مشکلات است!! بر اساس همین باور غلط گاهی برای رهایی خود از زیر بار فشارهای اقتصادی، دختران جوان خود را به ازدواج با مردان مسن و پولدار مجبور می‌کنند، معمولاً این گونه ازدواج‌ها برای دختران جوان، خوش عاقبت نبوده و با بالا رفتن سن، مردان سالمند با سوء ظن و بدبینی شدید با همسر جوان خود رفتار می‌کنند و پیوسته او را در معرض سؤالات و بازخواست‌های مختلف قرار می‌دهند. ۶

از سوی دیگر فقر و نیازمندی اقتصادی خانواده‌ها در برخی مناطق، به ویژه مناطق مرزی موجب فروش دختران تحت عنوان ازدواج شده است. در حالی که در اغلب موارد مردی که این دختر را با پرداخت پول به خانواده دختر، به عنوان همسر گرفته است، با تبانی باندهای فحش‌های داخلی و خارجی، به سوی دنیای فساد و تباهی سوق می‌دهد.

#### عوامل روانشناختی

یکی از مباحث اساسی که روانشناسان از دیرباز بدان توجه بسیار نموده و مباحث فراوانی پیرامون آن مطرح کرده‌اند، «شخصیت» است که نقش کلیدی در تعیین رفتار آدمی دارد و پیوسته در تعامل با محیط اجتماعی قرار دارد. شخصیت، مجموعه صفات درونی، گرایش‌ها و بینش‌های نسبتاً ثابتی است که متأثر از فطرت آدمی، محیط اجتماعی و سایر عوامل تأثیرگذار است.

بسیاری از مردم به ویژه آنانکه تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی سنتی قرار دارند، میان شخصیت زن و مرد تفاوت عمده‌ای فاندند و معتقدند که زنان در ابعاد روحی و شخصیتی معمولاً به سرعت تحت تأثیر واکنش‌ها و سائقه‌های عاطفی قرار گرفته و نمی‌توانند براساس منطق و واقع‌بینی برای آینده خویش تصمیمی اتخاذ نمایند و زن را «ضعیفه» خطاب می‌کنند. این پندار ضعیف انگاری شخصیت زن، دستاویزی برای تحمیل رأی و نظر در مورد ازدواج دختران شده و برخی زنان را در جوامع سنتی، با نوعی تنگ نظری مواجه کرده است؛ البته این بدان معنا نیست که تفاوت‌های زنان و مردان در جنبه‌های عاطفی و خردورزی نادیده انگاشته شود، اما به هرحال نگرش تحقیرآمیز نسبت به شخصیت زن، در پاره‌ای موارد، مجوزی برای دخالت‌های بی‌مورد در حق تعیین سرنوشت زنان شده است.

## عوامل اجتماعي

### - ساخت‌هاي پدرسالارانه

يکي از عوامل اجتماعي ازدواج‌هاي اجباري، ساخت‌هاي پدرسالارانه مي‌باشد، مقصود از ساخت رابطه نسبتاً پايدار ميان عناصر و اجزاي يك مجموعه مي‌باشد که کليت آن مورد نظر است. از نظر «راد کليف براون» ساخت جامعه، شبکه‌اي از ارتباطات اجتماعي است که وحدت آنها در شبکه مستمري خلاصه مي‌شود که پايگاه‌ها و نقش‌ها، محور اصلي آن را تشکيل مي‌دهند. (توسلي، ۱۳۷۳: ص ۱۲۵)

پدرسالاري، سلطه و تسلط مردان بر زنان در همه شئون اجتماعي است. اين مسئله در همه جوامع وجود داشته است، گرچه از نظر ميزان و ماهيت قدرتي که مردان در مقايسه با زنان اعمال مي‌کنند، تفاوت‌هاي زيادي وجود دارد. (گيدنز، ۱۳۷۳: ص ۷۸۳) در شبکه روابط اجتماعي، پدرسالاري به صورت روابط نسبتاً پايداري درآمده است و اين ساخت پدرسالارانه رفتارها و انتظارات ويژه‌اي را بر زنان تحميل مي‌کند، بسياري از مردان به مقتضاي اين ساخت اجتماعي، تحميل اراده خود را در انتخاب همسر دختر يا خواهر خود، حق مسلم مي‌دانند و مخالفت با آن را «گستاخي دختران» تلقي مي‌کنند. اين ساخت علاوه بر استحکام در روابط اجتماعي، بر ساختار ذهني بسياري از مردان سايه افکنده و جهان‌بيني مرد سالارانه‌اي را در روابط اجتماعي با زنان القاء مي‌کند.

### - منزلت اجتماعي

اعضاي جامعه در طبقات اجتماعي مختلفي قرار دارند. طبقات، موقعيت‌ها و امتيازات ويژه‌اي را براي اعضاي طبقه تعيين و تعريف

می‌کنند و معمولاً افراد با چهار معیار قدرت، مالکیت، ارزیابی اجتماعی و پاداش روانی در طبقات متفاوتی جای می‌گیرند. (تامین، ۱۳۷۳: ص ۲۱)

افراد با داشتن میزان و درصد زیاد معیارهای فوق از امتیازات و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار می‌شوند و در سیستم روابط اجتماعی به عنوان گروه مرجع محسوب می‌شوند. پاره‌ای از ازدواج‌های تحمیلی در فرآیندی شکل می‌گیرد که افراد با داشتن طبقه اجتماعی بالا از دختری خواستگاری می‌کنند، ولی او راضی به چنین ازدواجی نیست، ولی والدین دختر به خاطر انتساب فرد به طبقه اجتماعی بالا، دختر را مجبور به ازدواج با وی می‌کنند.

علل و عوامل ازدواج‌های ناخواسته (شیوه غیر مستقیم) وجود شرایط سخت فردی، خانوادگی و اجتماعی موجب می‌شود تا برخی دختران ناخواسته تن به ازدواج دهند، حتی گاه ازدواج‌های ناخواسته با فردی انجام می‌شود که موقعیت مناسبی برای ازدواج ندارد، به طور نمونه دارای فاصله سنی زیاد است، دارای سابقه ازدواج است، در شرایط فعلی دارای زن و فرزند است، یا آنکه در حال متارکه همسرش می‌باشد و این شرایط از سوی دختر پذیرفته شده نیست اما، شرایط خاصی فرد را به انتخاب نادرست، ناخواسته، تحمیلی و ناخوشایند می‌کشد، به گونه‌ای که موجب ایجاد عقده‌های روانی، نارضایتی زناشویی و سرافکنندگی اجتماعی و بروز اختلالات رفتاری در حوزه خانواده و اجتماع می‌شود. علل این انتخاب‌های ناخواسته را در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی به اجمال بررسی می‌کنیم.

علل فردی



- ترس از فقدان خواستگار در آینده

برای بسیاری از دختران فرصت، شانس و احتمال انتخاب شدن، بعد از سپری شدن زمان مناسب ازدواج، در حاله‌ای از ابهام است و آنها را به انتخاب گزینه‌هایی مجبور می‌سازد که چندان رضایتی نیز به ازدواج با آن فرد ندارند.

- ترس از عملکرد نادرست خواستگار

گاه برخی از خواستگاران که اصرار زیادی به ازدواج با فرد خاصی دارند، در هنگام مواجه شدن با پاسخ منفی دختر، او را تهدید به انجام اعمال خطرناک، هتک حرمت و نیز انجام اقداماتی علیه حیثیت و آبروی دختر می‌نمایند، در برخی موارد چنین تهدیدات و اقداماتی منجر به پذیرش ازدواج از سوی دختر می‌شود، در حالی که هیچ تمایل و علاقه قلبی به وی ندارد.

- ترس از افزایش سن و کاهش فرصت ازدواج

در شرایطی که جوانی و چهره زیبا مهمترین ملاک انتخاب دختر می‌باشد (البته جوانگرایی در تمام دنیا وجود دارد) ترس از دست دادن زیبایی و جذابیت، ورود به سنین بالاتر و کاهش فرصت انتخاب و احتمال عدم ازدواج بر افکار فرد سایه می‌افکند و احساس ناامنی در وی به وجود می‌آورد. این شرایط فرد را به سوی گزینش ناخواسته سوق می‌دهد.

- رهایی از تنهایی و اضطراب

گاهی برخی افراد به این دلیل ازدواج می‌کنند که از تنهایی و اضطراب می‌ترسند، اکثر انسان‌ها نمی‌توانند تنهایی را تحمل کنند و افسرده و پریشان می‌شوند، به همین دلیل تصمیم به ازدواج

می‌گیرند. این انگیزه گاه در جهت منفی چنان شدت می‌گیرد که فرد دست به انتخابی تعجیلی می‌زند.

#### - لجبازی با خواستگاران قبلی

گاهی دختر با عدم تأیید خواستگاری خاص مواجه می‌گردد، یا آنکه فردی اظهار علاقه ظاهری می‌کند، ولی خواستگاری نمی‌نماید؛ در این حال احتمال اینکه دختر سریع و شتاب‌زده با فردی دیگر ازدواج کند، بسیار زیاد است، زیرا او با خود می‌اندیشید که از این طریق بتواند نشان دهد که برای ازدواج هیچ مشکلی نداشته و افراد بسیاری بوده‌اند که خواستار ازدواج با وی بوده‌اند. در حالی که این ازدواج ناخواسته، می‌تواند فرد را تا آخر عمر با مشکلات خاص خود مواجه نماید و زندگی او را تباہ سازد.

#### - اصرار خواستگار

در برخی شرایط خواستگاران، دختر را تحت فشار روحی و اصرار و ابرام قرار می‌دهند. این امر معمولاً قدرت تحقیق، تفکر و تحلیل را سلب می‌کند و او را ناخواسته به سوی پاسخ مثبت و ازدواج ناخواسته می‌کشاند.

#### - رهایی از سوالات اطرافیان

معمولاً در مجامع عمومی، مهمانی‌های جمعی یا فامیلی، از دختر سؤال می‌شود که آیا ازدواج کرده‌ای یا نه؟ چرا؟! ... در حالی که اغلب افراد می‌دانند که خواستگاری و ازدواج، توسط پسران انجام می‌دهند، ولی چنین سؤالاتی می‌تواند موجب اضطراب و ناراحتی دختر شود و شرایط را بر وی تنگ نماید، تا حدی که تصمیم بگیرد خواستگاری را که تمایل چندانی به وی ندارد، انتخاب کند.

#### - فقدان خواستگاران متعدد

ازدواج ناخواسته برخی دختران به جهت فقدان خواستگاران مناسب است، لذا در این شرایط، دختری که خود را مقید به انجام خواستگاری از سوی پسر می‌نماید، مجبور است که منتظر بماند تا فردی او را مورد پسند قرار دهد، حتی اگر رغبتی به وی ندارد، ازدواج کند.

#### - فرار از تحصیل

در برخی خانواده که بیش از حد به تحصیل اهمیت می‌دهند، حتی تحصیلات را جهت پرستیژ خانوادگی ضروری می‌دانند، والدین اصرار بر ادامه تحصیل دخترشان دارند، در حالی که دختر علاقه‌ای به تحصیل ندارد و ازدواج را مفری برای رهایی از فشارهای خانواده برای ادامه تحصیل می‌شمارد، لذا تلاش می‌کند با ازدواج، ترک تحصیل نماید.

#### - ترحم و دستگیری از خواستگار

زناشویی را نباید به منظور دستگیری و ترحم به فردی انجام داد، حس ترحم تا چه مدت می‌تواند سبب تسکین نیازمندی‌های دیگر حیات زناشویی باشد. (مصلحتی، ۱۳۷۹: صص ۳۴-۳۶) این انگیزه نادرست در واقع به طور غیر مستقیم قدرت انتخاب فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

#### - پیروی از لذات نفسانی

هرچند برخی دختران می‌اندیشند ازدواج با فردی که عاشق او می‌باشد، در واقع اوج خوشبختی و سعادت است، اما در یک تحلیل

دیگر می‌توان بیان داشت از آنجا که عشق، قدرت درک و تصمیم‌گیری عاقلانه را سلب می‌کند، نوعی ازدواج کورکورانه، ناخواسته، دور از دقت کافی است. در این شرایط فرد تسلیم لذات پوچ شده و سر به قهرمان دل می‌سپارد. اغلب چنین ازدواج‌هایی ناپایدار است.

### علل خانوادگی

- رهایی از شرایط نامناسب خانه پدری

دختران، در برخی خانواده‌ها، با احساس سربار بودن، تحمیل فشارهای اقتصادی بر خانواده و حس سرافکنندگی مواجه هستند. این احساس که در شرایطی مانند برخوردهای کلامی و اعتراضات مستقیم پدر یا سایر اعضای خانواده (تنی یا ناتنی) اوج می‌گیرد، می‌تواند فرد را به این تصمیم نادرست سوق دهد که ازدواج تنها راه رهایی از این مشکلات است، لذا باوجود عدم علاقمندی به فرد مقابل، فقط به جهت ناخشنودی از رفتارها و مناسبات اعضای خانواده، ناخواسته تن به ازدواج با فردی می‌دهد که شرایط مناسبی ندارد.

- رهایی از امر و نهی‌های خانواده و کسب استقلال

هرچقدر که دختر مجرد در خانه پدری، با امر و نهی‌های والدین بیشتر مواجه باشد، احساس می‌نماید که برای انجام امور خود فاقد استقلال و آزادی نظر و عمل است، لذا احساس فشار و تنگنای بیشتری می‌کند و تلاش می‌نماید تا از این فضا خارج شود. در این شرایط ازدواج در نظر او می‌تواند مفردی محسوب شود. در اغلب موارد این موضوع، فرد را به انتخاب نادرست و ناخواسته سوق می‌دهد.

- رها ساختن والدین از اضطراب

اغلب والدین از تأخیر ازدواج فرزندان خود به ویژه دختران، احساس اضطراب و نگرانی می‌کنند، حتی خود را در عدم انجام آن گناهکار و مقصر می‌شمارند. در این شرایط برخی دختران، ازدواج ناخواسته را می‌پذیرند تا فرد را به دست بازی سرنوشت بسپارند.

#### - مشکلات و نیازهای اقتصادی خانواده

در خانواده‌های با درآمد اندک و پایین که تعداد فرزندان بسیار است، ازدواج دختر می‌تواند هزینه‌های زندگی را به مقدار مخارج وی کاهش دهد و تا حدی به اقتصاد خانواده کمک نماید. هرچند تهیه تجهیزات تا مدتی هزینه زندگی را برای والدین افزایش می‌دهد.

#### - نفوذ و فشارهای والدین

برخی مواقع یکی از دلایل ازدواج افراد، فشار هنجارهای اجتماعی است. تقریباً در همه طبقات و اقشار جامعه، ازدواج تأیید می‌شود. همین موضوع کسانی را که خیال می‌کنند به یکدیگر علاقمند هستند با شتاب و عجله به ازدواج وا می‌دارد.

نفوذ و فشار والدین به فرزندان، می‌تواند آنها را به سوی ازدواج‌های زود هنگام و دور از احتیاط سوق دهد. در برخی موارد والدین با استفاده از نفوذ خود، اصرار بر انجام ازدواج با فرد خاصی دارند. فشار والدین و جامعه بر افراد برای تطبیق با الگوهای بهنجار می‌تواند کسانی را که تن به ازدواج نمی‌دهند، به سوی همسرگزینی و ازدواج ناخواسته سوق دهد. در اغلب موارد به سختی می‌توان خانواده‌ها را از مضطرب نمودن فرزندان در ازدواج بازداشت.

#### - رفع کدورت فامیلی

در برخی موارد، ازدواج‌هایی انجام می‌شود تا موجب مصالحه و رفع کدورت اقوام و فامیل با یکدیگر شود. در این شرایط، زندگی یک فرد به طور ناخواسته دستخوش آرزوهای دیگران می‌شود.

#### علل اجتماعی

- رهایی از تحقیرهای اجتماعی

از آنجا که نقش مادری و همسری زن از سوی اجتماع مورد تأیید است، لذا هرگونه سستی یا عدم موفقیت و ناکامی در دستیابی به چنین موقعیتی، برچسب‌ها و استهزاهای اجتماعی را به دنبال دارد.

- ورود به دنیای بزرگسالی و کسب احترام

در جوامعی که تجرد به مفهوم غوطه‌ور بودن در عالم کودکی، ناپختگی و بی‌تجربگی است و دختر مجرد در موارد مختلف احساس می‌نماید که نظر، عقیده و تصمیم‌گیری وی به جهت عدم تأهل از سوی دیگران پذیرفته نمی‌شود، سعی خواهد نمود که برای کسب احترام و منزلت اجتماعی ازدواج نماید، هر چند که فرد مقابل شرایط مناسبی نداشته باشد.

- رهایی از قضاوت‌های نادرست اجتماعی

تقریباً در تمام طبقات و اقشار جامعه ازدواج مورد تأیید است. لذا جامعه کسانی را که ازدواج نکنند (چه خود نخواهند و چه موردی برای ازدواج نیابند) به عنوان افرادی می‌شناسد که از پذیرش مسئولیت زندگی زناشویی طفره می‌روند و در برابر ازدواج مقاومت می‌کنند یا از بار وظایف اجتماعی شانه خالی می‌کنند،... (گاه بیان می‌شود که زن مجرد هم از لحاظ وظایف اجتماعی و هم از لحاظ خودکفایی و استقلال شکست‌خورده است...) چنین قضاوت‌هایی می‌تواند

فشارهایی را بر فرد وارد سازد و او را مجبور نماید که ناخواسته به ازدواجی تحمیلی تن در دهد.

#### - رهایی از برچسب‌های اطرافیان

در برخی فرهنگ‌ها، مجرد دختران به مفهوم عدول از رعایت مسائل اخلاقی تلقی می‌شود و اغلب این تصور که اگر دختر ازدواج نکند، گزینه جنسی او را رها نخواهد کرد، در اذهان وجود دارد. این تفکر و قضاوت در مورد رفت و آمدها و اخلاقیات دختر، با برچسب‌های اخلاقی و بروز رفتارهای اغواگرانه برخی مردان همراه است و دختر را در فشارهایی قرار می‌دهد که برای رهایی از آن شرایط، با فردی که هیچ تمایلی به وی ندارد، ازدواج می‌کند.

#### - کسب جاه و مقام و تغییر موقعیت طبقاتی

امروزه برخی از افراد ازدواج می‌کنند تا در اثر آن به تحول، جاه، مقام و موقعیت بالایی طبقاتی دست یابند. در واقع ازدواج را پل ترقی خود به مراتب بالایی اجتماعی می‌دانند و علیرغم آنکه تمایل و علاقه‌ای به فرد مقابل ندارند، فقط به حسب موقعیت بالاتر فرد مقابل ازدواج می‌کنند.

#### پیامدهای ازدواج‌های تحمیلی

به اعتقاد روانشناسان، ازدواج می‌بایست بر پایه اخلاق، عشق، محبت و درک متقابل دو انسان شکل گیرد تا بتواند جوانه‌های امید و خوشبختی را به همراه آورد. اکراه در همسرگزینی، این پیوند مقدس را به صورت یک کابوس وحشتناک درمی‌آورد و زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان را با آسیب‌های جدی مواجه می‌سازد. شاید درک تمام زوایای پنهان و آشکار ازدواج‌های ناخواسته بسیار مشکل باشد،

اما با این وصف، مطالعه شواهد تجربی برخی از این ناهنجاری‌ها، می‌تواند تا اندازه‌ای مشکلات و زیان‌های ناشی از ازدواج تحمیلی را به تصویر کشد.

#### آسیب‌های فردی

##### - آسیب‌های جسمی

اولین عوارض منفی ازدواج‌های اجباری (به ویژه در سنین پایین) متوجه بدن و جسم زنان شده و بر سلامت جسمی آنان تأثیر بسیار منفی برجای می‌گذارد. کمترین عوارض جسمی ازدواج اجباری برای دختر بچه‌ها، بیماری‌های دستگاه باروری زنان، مرگ و میر دختران و کودکانشان، تولد کودکان نارس و عوارض ناشی از آن، عدم قدرت کافی دختران در نگهداری کودکان خود، سوء تغذیه کودک و مادر و ... است. ازدواج اجباری، نه تنها عوارض خطرناکی بر دختران کم سن و سال دارد، برای دخترانی هم که در سن مناسب ازدواج، به اجبار و ناخواسته ازدواج کرده‌اند، مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند. ([www.hamshahri.net](http://www.hamshahri.net))

دخترانی که در سنین پایین و به اجبار والدین خود روانه خانه همسر می‌شوند، علاوه بر حاملگی‌های ناخواسته و زودرس، در معرض عوارض جبران ناپذیر جسمی قرار می‌گیرند، زایمان و شیردهی هم به این عوارض منفی اضافه خواهد شد و تأثیرات ناگوار ازدواج تحمیلی را چندین برابر خواهد ساخت.

##### - آسیب‌های روحی و روانی

اغلب دخترانی که با اجبار والدین راهی خانه شوهر شده‌اند، دچار اختلالات روحی و روانی می‌شوند و بهداشت روانی آنها به خطر می‌افتد، آنان به یکباره از کانون گرم خانواده جدا شده و سایه فردی را



بر بالای سر خود می‌بینند که هیچ علاقه و رغبتی به او ندارند، به ویژه در صورتی که فاصله سنی محسوسه میان زن و شوهر وجود داشته باشد.

فقدان شبکه ارتباطی محبت آمیز میان زن و شوهر، خانواده را به کانون درگیری، کشمکش و تضاد تبدیل می‌کند و تفاهم را که سنگ زیرین بنیان خانواده است، ویران می‌نماید. زوجین با هر حرکت مشکوکی با برچسب سوء ظن، با همدیگر رفتار می‌کنند هرچند که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که طلاق روانی و عاطفی میان آنها رخ داده است. ۸. در چنین اوضاع نابسامانی، زن، انزوا طلبی اختیار کرده و خود را سهیم و شریک زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی خانوادگی ادامه می‌دهد.

از دست دادن امید به زندگی، عدم وجود تصویر موفقیت‌آمیز برای زندگی خود و فرزندان، یکی دیگر از اختلالات عاطفی و روانی ازدواج‌های تحمیلی به شمار می‌رود، مجموعه این فشارهای روانی، ایجاد هرگونه ابتکار، طراوت و نشاط را در محیط خانه برای این افراد از بین می‌برد و خانه را برای آنان به زندانی با میله‌های روانی و نامرئی تبدیل می‌کند.

هنگامی که این زنان خود را با زنان دیگر مقایسه می‌نمایند، احساس ناکامی و حقارت می‌کنند، در این صورت، آگاهانه به ناتوانی و ناشایستگی خود پی‌برده و خود را در مقایسه با دیگران، پایین‌تر و درمانده‌تر از آنان احساس می‌کنند. (پارسا، ۱۳۷۰: ص ۲۳۷)

یکی از عوارض زیانبار ازدواج اجباری برای زنان بروز روحیه پرخاشگری است، این اندیشه که نتوانسته‌اند در پرتو زندگی مشترک به احساس خوشبختی و سعادت دست یابند، آنها را به سوی انتخاب پرخاشگری به عنوان وسیله و مکانیسم دفاعی سوق می‌دهد.

همچنین ازدواج اجباری معمولاً به نارضایتی فرد از حیات فردی و خانوادگی و نهایتاً به سوی انتخاب گزینه‌ای نامناسب، به نام خودکشی جهت رهایی و خلاصی از شرایط نامناسب زندگی سوق می‌دهد.

از سوی دیگر ازدواج اجباری دختران کم سن و سال در هنگام تحصیل، آنها را از اتمام مدرسه و فراگیری دروس آموزشی محروم کرده و از رشد و تعالی و درک صحیح زندگی باز می‌دارد. همین امر منجر به ضعف ادراک شرایط اجتماعی، جامعه‌پذیری ناقص، ناتوانی در کنش متقابل آنها با اعضای جامعه می‌شود و از سوی دیگر این دختران به جهت عدم اتمام تحصیلات، از انتخاب شغل مناسب و استقلال اقتصادی باز می‌مانند. آنها در اثر نداشتن تحصیلات، در جامعه کنونی، از احراز منزلت و پایگاه اجتماعی مناسب محروم شده و در نظام روابط پیچیده اجتماعی دچار عوارض ناخواسته می‌شوند.

#### - آسیب‌های خانوادگی

بی‌تردید شرط موفقیت یک ازدواج، علاقه و تمایل قلبی (دختر و پسر) می‌باشد. اگر هر یک از آنها از ابتدا با ازدواجشان موافق نباشد، طبیعی است که نمی‌تواند همسر خوبی برای دیگری باشد. زبان‌های ناشی از ازدواج تحمیلی به آسیب‌های فردی منحصر نمی‌شود و به کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده، سرایت نموده و روابط عاطفی میان زوجین را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. سست شدن بنیان خانواده، طلاق و فرار از منزل، سوء ظن، نداشتن تفاهم میان زوجین، همسر آزاری و همسرکشی و وجود فرزندان بزهکار، ... از جمله پیامدهای ناگوار این نوع ازدواج‌ها محسوب می‌شود. در واقع زندگی اجباری با فردی که هیچ علاقه‌ای به او وجود ندارد، بی‌تردید موجب نارضایتی از زندگی زناشویی می‌شود. محققان در طی

مطالعات خود دریافته‌اند همسرانی که با رضایت و شادمانی ازدواج کرده‌اند، نسبت به همسرانی که زندگی زناشویی را با اکراه و اجبار و تحمیل آغاز کرده‌اند، به میزان کمتری از سخنان مخالف، تند و پرخاشگرانه استفاده می‌کنند و بیشتر به گردآوری اطلاعات درباره موضوع مورد اختلاف جهت رفع مشکل می‌پردازند. شوهران دسته اول (خشنود از زندگی زناشویی) بیش از دیگر شوهران آشتی پذیرند، ولی شوهران دسته دوم (همسرانی که دارای مشکلاتی هستند و با اجبار ازدواج کرده‌اند)، غالباً به ناسزاگویی پرداخته و توجهی به سخنان طرف مقابل ندارند. (مصلحتی، ۱۳۷۹؛ ص ۱۷۰) در ادامه برخی دیگر از آسیب‌های خانوادگی ناشی از ازدواج تحمیلی به قرار ذیل است:

#### - فرار از خانه

فقدان امنیت در محیط خانه، تهدیدهای آزار دهنده و تعارض‌های کلامی، می‌تواند خانه را در نظر دختران و زنان همچون کابوس وحشتناکی درآورد که برای رهایی از آن باید به دنبال فرصت مناسب باشند. در این موقعیت، سلامت روانی در ساخت خانواده تضمین نشده و خانواده از کارکردهای اصلی خویش خارج می‌شود. اجبار دختران به رهایی از تحصیل و تحمیل ازدواج از سوی والدین، احتمال اقدام به فرار از خانه را در آنان افزایش می‌دهد.

#### - همسرکشی

همسرکشی پدیده بسیار خطرناکی است که در دوران حاضر در حال شیوع و گسترش می‌باشد، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همسرکشی عمدتاً در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال بوده و در تمامی طبقات اجتماعی اتفاق می‌افتد، مطابق آمار، بیشتر زنان مجرم، کم

سواد یا بی‌سواد بوده‌اند و ۸۰ درصد زنان همسرکش، خانه‌دار می‌باشند؛ این امر نشان می‌دهد که آنها فشار مضاعفی را تحمل کرده و با این کار از محرومیت‌هایی که در خانه و جامعه با آن مواجهند، انتقام می‌گیرند. (www.irankhabar.com)

زنان در ازدواج‌های اجباری هزینه‌های فراوانی را برای رهایی از زندگی تحمیل شده به خود متقبل شده‌اند و بر این اساس در برخی موارد تنها راه رهایی از محرومیت و فشار و نابرابری را اقدام به قتل همسر خود یافته‌اند. در استان‌هایی که رسیدگی به دادخواهی زنان برای طلاق آسان‌تر بوده است، میزان همسرکشی نیز کاهش چشمگیری داشته است.

#### - انحطاط اخلاقی

نارضایتی و برآورده نشدن نیازهای عاطفی و روحی زنان، زمینه و بستر مناسبی را برای فساد اخلاقی آنها و ناراحتی از زندگی زناشویی مهیا می‌کند، زیرا آنان خوشبختی و آرامش روحی خود را در سایه مرد دیگری جستجو می‌کنند. شواهد تجربی نشان می‌دهد در نظر نگرفتن علاقه دختران تا چه اندازه می‌تواند سرانجام یک خانواده را به تباهی کشانده و آنان را به بزهکاری و کجروی سوق دهد. از آنجا که این زنان معمولاً در سنین پایین و بدون شناخت فلسفه زندگی مشترک به ازدواج تحمیلی تن داده‌اند، به زودی از خانه گریخته و در خیابان پرسه می‌زنند و در خانه‌های فساد به خدمت گرفته می‌شوند.

#### - کجرو شدن فرزندان

انسان در کانون خانواده جامعه‌پذیر شده و با ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات دینی و اجتماعی آشنا می‌شود و با آنها انس می‌گیرد، البته سهم خانواده در فرآیند تربیت، نسبت به سایر عوامل مهم‌تر است.

پدر و مادري که در تعامل با یکدیگر دچار نوعي تناقض اخلاقي و رفتاري مي‌شوند، در تربيت فرزندان ي سالم و مطابق با هنجارهاي ديني و عقلاني و اجتماعي ناکام مي‌مانند. مادري که از زندگي خود ناراضي است، در ايفاي «نقش مادري و تربيتي» خود ناتوان مي‌ماند و نمي‌تواند فرزندان ي تربيت نمايد که هنجارهاي ديني و اجتماعي را پذيرفته باشند. در ازدواج اجباري به دليل اين که زن از آرامش روحي لازم برخوردار نيست و نمي‌تواند در محيط خانواده نقش تربيتي خود را نسبت به فرزندان، به خوبي ايفا کند، کجرو شدن فرزندان دور از انتظار نخواهد بود.

#### - طلاق

از پيامدهاي بسيار ناگوار ازدواج تحميلي، گسست بنیان خانواده است. متأسفانه بر اساس آمارهاي ارائه شده، ميزان پديده طلاق ظرف ۴۰ سال گذشته در جهان سه برابر افزايش يافته است، در ايران نيز از هر ۱۰۰۰ ازدواج، حداقل ۱۷۴ مورد آن به طلاق مي‌انجامد. (روزنامه صداي عدالت، ۱۳۸۲/۷/۲۲) البته عوامل طلاق متعدد است، ولي بي‌ترديد ازدواج زودهنگام و ناخواسته، احتمال وقوع طلاق را افزايش مي‌دهد.

وادار کردن جوانان بدون توجه به آمادگي و علاقه آنها به ازدواج، مي‌تواند پيامدهاي ناخوشايند و جبران‌ناپذيري را در پي داشته باشد که از اثرات کوتاه مدت آن احساس عدم درك متقابل، عدم توانايي در تأمین هزینه‌هاي زندگي و ... است که در نهايت موجب نوعي احساس سرخوردگي مي‌شود، به گونه‌اي که تحمل یکدیگر زير يك سقف براي آنها مشکل بوده و جدايي، تنها راه رهايي خواهد بود. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲/۶/۲۷)

مطابق آمار در استان چهارمحال و بختياري، ازدواج تحميلي يکي از

عوامل وقوع طلاق در این استان است. (مجله زنروز، ۱۳۷۷/۸/۴) در کل کشور، ازدواج‌های اجباری، عامل ۳۰ درصد از طلاق‌ها اعلام شده است. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۰/۷/۱۵)

#### آسیب‌های اجتماعی

##### - عدم ثبت نکاحی

معمولاً ازدواج‌های اجباری که در سنین پایین انجام می‌شود، در دفتر رسمی ازدواج ثبت نمی‌شود و انگیزه‌ای برای آشکارسازی آن وجود ندارد، زیرا خانواده این دختران، به ویژه پدران، به غیر قانونی بودن اجبار در ازدواج دختر و نیز ازدواج در سنین پایین و قوف کافی دارند، لذا این اتفاق را پنهان می‌کنند. همین عامل موجب می‌شود که آمارهای مربوط به ازدواج در مرکز آمار کشور دچار اشکال شود و برنامه‌ریزی اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردد.

##### - افزایش جرائم و شبه جرائم

تحمیل و اجبار در ازدواج که امری فردی، شخصی و وابسته به رضایت طرفین است، می‌تواند تعداد خانواده‌های آشفته و نابسامانی را افزایش دهد. جامعه‌ای که خانواده‌های آن فاقد آرامش و رضایت زناشویی است؛ جامعه‌ای سالم و عادی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی نخواهد بود.

##### راهکارهای مؤثر در کاهش ازدواج تحمیلی

مبارزه با پدیده ازدواج اجباری و تأکید بر حق طبیعی دختران در همسرگزینی، نیازمند اصلاحات وسیعی در ساختارهای اجتماعی و خانوادگی و اطلاع بخشی به زوج‌های جوان و اصلاح ضوابط و مقررات قانونی است. در این راستا راهکارهایی که می‌تواند در کاهش و حتی

ریشه‌کنی چنین پدیده‌ای تأثیر داشته باشد، به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- برگزاری کارگاه‌های آموزش حقوق در زمینه ازدواج، مشاوره خانواده برای دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج قرار دارند، زیرا زنانی که از حقوق خود در فرآیند همسرگزینی و تشکیل خانواده آگاهی داشته باشند با روشن بینی و استحکام بیشتری پا به عرصه زندگی جدید می‌گذارند. البته آموزش حقوق باید بر پایه اخلاق و دینداری ارائه شود تا دستاویزی برای افزایش تنش‌های خانوادگی و اختلالات عاطفی نشود.

۲- ارتقاء آگاهی‌های خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌ای در پیشگیری از ازدواج‌های تحمیلی مؤثر است. حکومت موظف است با بدعت‌ها و سنت‌هایی که مغایر دین، عقل و علم است (نظیر آداب و رسوم خرافی نظیر گاو به گاو، نهوه، هدیه و ...) مبارزه نماید. نخبگان اجتماعی در این خصوص نقش مهمی بر عهده دارند، پیامبر گرامی اسلام (ص) در مورد مبارزه با بدعت‌ها می‌فرماید: «إذا ظهر البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لفته الله» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۵۴) وقتی بدعت‌ها در میان امت آشکار گردد، دانشمندان می‌بایست آگاهی و علم خود را به جامعه عرضه نمایند و هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد.

۳- تدوین قوانین مناسب جهت حمایت از زنانی که قربانی ازدواج تحمیلی قرار گرفته‌اند. در این راستا می‌بایست قوانین و مقرراتی را تدوین نمود که پدر بدون رضایت قلبی و تمایل دختر نتواند او را وادار به ازدواج نماید، در این مورد می‌توان برگه رضایت‌نامه مکتوب و مورد تأیید مراجع قانونی ضمیمه سند ازدواج گردد و تعزیرات حکومتی که در اختیار قاضی و حاکم شرع است، ابزار مناسبی برای کنترل این پدیده

باشد. والدینی که فرزندان خود را به اجبار و عدم تمایل او وادار به ازدواج نمایند، باید مورد مجازات و کیفر قانونی قرار گیرند.

۴- ضروری است از طریق آموزش و دانش‌افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال‌طلبی، احترام به انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیشگیری نمود. همچنین می‌توان از طریق رسانه‌های جمعی و همایش‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی به خانواده‌ها آموخت که برای استحکام و دوام یک ازدواج کامیاب، شناخت و صداقت شروط اجتناب‌ناپذیر هستند و اگر این دو شرط با دقت مورد عمل قرار گیرد، می‌توان از فریبکاری‌ها و حوادث تلخ و دردناک و جبران‌ناپذیر پیشگیری نمود. (صادقی اردستانی، ۱۳۷۹: ص ۲۶۷) در همین راستا طراحی نظام و سیستمی هماهنگ از خواست دوراندیشانه پدران و رضایتمندی دختران لازم است، زیرا از یک سو پدران و مادران بر اساس تجربه‌هایی که در زندگی کسب کرده‌اند و وسعت فکر و اندیشه خود، می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند و از سوی دیگر جوانان خواسته‌های دیگری دارند؛ تلفیق این دو شرایط ضروری است.

رفتار والدین در زمینه ازدواج اجباری دختر با فرهنگ خانواده، ارتباط و همبستگی ویژه‌ای دارد، خانواده‌هایی که از رشد فرهنگی بالایی برخوردارند، در زمان ازدواج فرزندان نقش مشاور و راهنما را بر عهده می‌گیرند و با ارشاد فرزندان خود تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده خود آنها قرار می‌دهند و در برخی خانواده‌ها، والدین به جای فرزند تصمیم می‌گیرند، این امر گذشته از آنکه اخلاقاً نادرست است، از نظر حقوقی و قانونی نیز به درستی ازدواج لطمه می‌سازد. (عراقی، ۱۳۶۹: ص ۳۳)

۵- تعیین سن مناسب ازدواج

یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج‌های اجباری، تعیین



سن مناسب برای ازدواج است، برخی روانشناسان سن ۲۳ تا ۲۹ سالگی را برای ازدواج پسران و سن ۲۲ تا ۲۴ سالگی را برای دختران پیشنهاد کرده‌اند (روزنامه همبستگی، ۱۳۸۲/۶/۱۶) و برخی دیگر از صاحب‌نظران سن ۱۸ سالگی را برای ازدواج توصیه می‌کنند. البته نکته اساسی این است که دختران و پسران در سنین مناسب که رشد فکری و بلوغ عقلانی یافته‌اند، ازدواج کنند و حق تصمیم‌گیری داشته باشند.

۶- ضروری است با سردفترانی که چنین ازدواج‌هایی را ثبت می‌کنند یا افرادی که بدون هماهنگی با این دفاتر، به اجرای عقد ازدواج اقدام می‌کنند، برخورد قانونی مناسب انجام پذیرد.

۷- کاهش هزینه‌های زندگی، مهار تورم، اشتغال‌زایی و بهبود ساختار اقتصادی جامعه و حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت که برای تأمین مخارج سنگین زندگی، دختران خود را برای ازدواج با افراد متمول مجبور می‌نمایند، جهت پیشگیری از این معضل اجتماعی کارساز خواهد بود.

۸- گردآوری آمار دقیق از ازدواج‌های اجباری در کشور جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان باید مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع:

- افشار سيستاني، ايرج: «خوزستان و تمدن ديرينه آن»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۳.
- انوري، حسن: «فرهنگ بزرگ سخن»، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- بيرامي، منصور: «خانواده و آسيب‌شناسي آن»، انتشارات آيدين، ۱۳۷۳.
- پارسا، محمد: «زمينه روانشناسي»، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۰.
- تامين، ملوين: «جامعه‌شناسي قشربندي و نابرابري‌هاي اجتماعي»، ترجمه عبدالحسين نيك‌گهر، نشر توتيا، ۱۳۷۳.
- توسلي، غلامعباس: «نظريه‌هاي جامعه‌شناسي»، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- دورانت، ويل: «تاريخ تمدن يونان باستان»، ترجمه امير حسين آرياني‌پور، انتشارات اقبال، ۱۳۴۹.
- ساروخاني، باقر: «مقدمه‌اي بر جامعه‌شناسي خانواده»، انتشارات سروش، ۱۳۷۹.
- شيخي، محمدتقي: «جامعه‌شناسي زنان و خانواده»، شركت سهامي انتشار، ۱۳۸۰.
- صادقي اردستاني، احمد: «نيازهاي جوانان»، نشر خرم، ۱۳۷۹.
- عراقي، عزت الله: «حقوق زن در ازدواج چيست؟»، نشر راهنما، ۱۳۶۹.
- كليني، محمد بن يعقوب: «كافي»، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵.
- كوئن، بروس: «درآمدي به جامعه‌شناسي»، ترجمه محسن ثلاثي، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
- گيدنز، آنتوني: «جامعه‌شناسي»، ترجمه منوچهر صبوري، نشر ني، ۱۳۷۳.

- مصلحتي، حسين: «ازدواج و ازدواج درماني»، نشر البرز، ۱۳۷۹.
- معين، محمد: «فرهنگ فارسي»، ج ۱، انتشارات اميرکبير، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_ : «حيات اجتماعي زن در تاريخ ايران»، دفتر پژوهش‌هاي فرهنگي وابسته به مراکز فرهنگي، سينمايي، ۱۳۶۹.

پي نوشتها:

1 - Compulsion.

2 - Marriage by capture

3 - Marriage by exchange

4- مقام معظم رهبري: از نظر اسلام، زن در انتخاب همسر کاملاً

آزاد است و هيچ کس نمي‌تواند اين حق را از زن سلب کند، در طول زمان برخي عادات جاهلي و غلط در جامعه اسلامي به وجود آمده است، اما اين عادات جاهلي که متأسفانه در مناطقي از شهرهاي مرکزي و خوزستان نيز وجود دارد به احکام نوراني اسلام مربوط نمي‌شود، از نظر اسلام مجبور کردن دختر به ازدواج با پسر عموي خویش و اظهارنظر مرد در مورد ازدواج دختر عمو يك امر غير اسلامي و خلاف شرع مبین است.

آيت الله نوري همداني: در هر دو مورد اگر بدون رضایت دختر باشد جایز نیست و این عقد باطل است.

آيت الله مظاهري: این گونه امور، خرافاتي بیش نیست و دختران و پسران باید خود همسر انتخاب کنند نه فامیل آنها و اساساً در نظام جمهوري اسلامي باید این گونه خرافه‌ها حذف گردد. (روزنامه توسعه، ۱۳۸۲/۹/۱۸)

از زاويه فقهي اکراه و اجبار زن به پذيرش ازدواج باطل است و هيچ اثر فقهي و حقوقي براي زن ايجاد نمي‌کند و زن مي‌تواند از زندگي با آن مرد امتناع نمايد. زني که قبلاً ازدواج کرده و شوهر او فوت کرده و

---

یا طلاق گرفته است، از آزادی کامل برخوردار است و حتی پدر نیز نمی‌تواند او را ملزم به ازدواج با مرد غیر دلخواه کند. اما در مورد دختر باکره نظرات متعددی وجود دارد:

(الف)- برخی معتقدند که ولی- پدر و جد پدری- و دختر هر دو استقلال در تصمیم‌گیری دارند.

(ب)- زن، در مورد ازدواج دائم مستقلاً می‌تواند تصمیم‌گیری کند، اما در مورد ازدواج موقت می‌بایست از ولی خود اذن بگیرد.

(ج)- عکس حالت دوم می‌باشد.

(د)- تشریح در تصمیم‌گیری به معنای اعتبار اذن زن و ولی اوست؛ بسیاری از بزرگان مانند مرحوم سید کاظم یزدی و حضرت امام خمینی (ره) نظریه آخر را پذیرفته‌اند و تصریح کرده‌اند که ولایت بر عقد نکاح مختص به پدر یا جد پدری است و شامل دیگران از قبیل برادر، جد مادری و مادر، عمو و دایی و ... نمی‌شود. (یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۶۴)

5- ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

6- همین مسئله در جریان یک ازدواج دختر ۱۷ ساله با مرد ۳۷ اتفاق افتاد که با شکایت به دادگاه و پیگیری‌های فراوان و پس از ۷ سال آن زن موفق به گرفتن طلاق از همسرش می‌شود. (روزنامه آفرینش، ۱۳۸۲/۷/۱۰)

---

- در جریان دیگری زن ۲۲ ساله‌ای به دادگاه عمومی تهران رفت و خواستار جدایی از شوهر ۶۰ ساله خود شد او اظهار کرد که: ۱۳ ساله بودم که مادرم درگذشت و مسئولیت نگهداری از چند برادر و خواهر به گردن من افتاد، خواستگاران آمدند، اما به خاطر برادران و خواهران کوچکترم به همه آنها جواب رد دادم تا اینکه سایه شوم این مرد ۶۰ ساله بر سرم افتاد و از من خواستگاری کرد، او برای ازدواج با من وعده‌های زیادی به برادر بزرگ و پدرم داد و گفت کمک مالی فراوانی به آنان خواهد کرد، به این ترتیب پدر و برادرم بی‌آنکه در فکر آینده من باشند، بدون نظر خواهی از من به او جواب مثبت دادند و در غیابم قرار عقد و عروسی را گذاشتند. من شروع به مخالفت کردم، اما با کتک برادرم روبه‌رو شدم، او پول‌های این مرد را کلید خوشبختی خود می‌دانست. از زمانی که خانه این مرد رفتم شب و روزم گریه است، او مرتب به بهانه‌ای کتکم می‌زند و تحقیرم می‌کند، چند بار به خانه پدرم پناه بردم، ولی هر بار من را از خانه بیرون می‌کرد، حالا از این زندگی به تنگ آمده‌ام، درخواست می‌کنم عدالت مرا در پناه خود بگیرد و من را از دست این مرد نجات دهد. (روزنامه آفرینش، ۱۳۸۲/۷/۲۴)

7 - Patriarch

8- طلاق پنهان یا طلاق روانی طلاق است که زوجین از همدیگر جدا نشده‌اند و مدت‌ها در زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط‌های کلامی) بهترین روزهای خود را تلف می‌کنند، ولی به دلیل موانع فرهنگی، ارزشی و معنوی این طلاق آشکار

